

۷۱ - علماء فاسد دینی حجاب شدند و عزت از ایشان سلب گردید¹

از حضرت نقطه در صحیفه العدل است قوله الاعلی: هر گاه علما اعراض ازین حکم نمینمودند ظلمی بر احدی واقع نمیشد و حال آنچه واقع میشود ظلم آن بر ایشان است الی یوم المعاد .

و در بیان است . قوله الاعلی: نیکو درجه است درجه علم و اگر علم بمن یظهره الله و رضای او باشد و الا بدترین درجات است عند الله و عند کل شیئی که اگر بکلمه نمیدانست بهتر بود از برای او تا آنکه علم بکل شیئی داشته باشد و علم بمن یظهره الله نداشته باشد .

و در اقدس است قوله الاعلی: من الناس من غرته الملوّم و بها منع عن اسمی القيوم و اذا سمع صوت النعال عن خلفه یرى نفسه اكبر من نمرود قل این هو یا ایها المردود تالله انه لفی اسفل الجحیم ... یا قوم انا قدرنا العلوم لعرفان المعلوم احتجبتّم بها عن مشرقها الذی به ظهر کل امر مکنون ... یا معشر العلماء لما نزلت الآيات و ظهرت البینات رأینا کم خلف الحجاب ان هذا الا شیئی عجاب قد افتخرتّم باسمى و غفلتّم عن نفسی از اتی الرحمن بالحجّة و البرهان انا خرقتنا الاحجاب ایاکم ان تحجبوا الناس بحجاب آخر کسروا سلاسل الاوهام باسم مالک الانام و لا تكونن من الخادعین اذا اقبلتم الی الله و دخلتم هذا الامر لا تفسدوا فیه .

و در لوحی از حضرت بهاء الله است قوله الامنع: قل یا قوم قد ظهر الموعدو از اتی المیقات الی متی تتبعون مطالع الظنون و تعقبون مشارق الاوهام ان اخرجوا الحجاب الاکبر باسم مالک القدر ثم تقرّبوا بهذا البحر الذی جعله الله مبدء البحار انا نشکوا الیک من مظاهر العلم انهم منعوا العباد عن مالک الایجاد بعد الذی خلّقوا بهذا الذکر الذی به اشرفت الذاکرا فاسأل الله بأن یطهر الارض من هؤلاء كما طهر من وجود هم اکثر الدیار ثم یا معشر العلماء لا ترون بعد الیوم لانفسکم من عزّ لانا اخذناه منکم و قدرنا للذین آمنوا بالله الواحد المقدر العزیز المختار .

¹ در قرآن است قوله تعالی: و يتعلمون ما يضرهم و لا ينفعهم و قال النبی: اعوذ بک من علم لا ینفع . و فی حدیث علی: من عمل بالرأی و المقاییس قد ارتوی من آجن . و فی الحدیث: ان من العلم جهلاً الجاهل البسیط هو الذی لا یعرف العلم و لا یدعیه و الجاهل المركب هو الذی لا یعلم و یدعی و قد اجتمع اهل الحکمة العملیة ان الجاهل المركب لا علاج له . (مجمع البحرین)

و در لوحی دیگر قوله الرفع الاجلی: یا معشر العلماء انتم قطع طرق الله و سبله و مضلّ عباده اتقوا الرحمن ولا تسدلّوا عن وجه الانصاف قناع الاعتساف و لا علی هذا السّماء برقع السبجات سوف تعضی الايام و ترون انفسکم فی موقع السّؤال بین یدی الله الغنی المتعال

و در کتاب بدیع است قوله الابدع: در جمیع ظهورات اول معرض علماء عصر بوده‌اند چه اگر علماء انکار حق الله نمی‌نمودند احدی اعراض نمی‌نمود و آنچه فساد در ارض شده از انکار علماء بوده چنانچه تصریحاً می‌فرماید عزّ ذکره و اول من احتجب عن نقطة البیان ادلاء العلم عند انفسهم و لکّهم عند الله لا یدرکون و لا یتعلّون این است که عند الله ان نفوس از اهل علم محسوب نه .

و در لوحی است قوله الاعزّ الرفع: بسمی الذی به اشرق نیر التّوحید یا ابا القاسم ندای مظلوم را بگوش جان بشنو این ایام فی الجملة اوهاماتی بمیان آمده از حق بطلبید حزب خود را حفظ نماید حزب قبل هر یوم بیادی ظنون هیکلی از وهم ترتیب میدادند و رکن رابعش مینامیدند و یا اسمای آخری سبحان الله انسان متحیر است از اقوال و اعمال آن حزب هر یوم اجتهادی مینمودند و عرفانی ذکر میکردند بالاخره عرفان منتهی شد باینکه یومی از ایام این مظلوم قبل از بلوغ در مجلسی وارد مشاهده شد دو نفس با عمامه‌های کبیر از برای یکی از مخدّرات خلف حجاب معارف و مراتب علوم خود را ذکر مینمودند تا آنکه یکی از آن دو ذکر نمود باید بدانیم جبرئیل بالاتر است یا قنبر عباس بالاتر است یا سلمان این مظلوم متحیر بعد از چند دقیقه ذکر شد یا ملاّ اگر جبرئیل آن است که می‌فرماید نزل به روح الامین علی قلبک آنجا آقای قنبر هم تشریف نداشت باری آن ایام این مظلوم بر مظلومیت خاتم انبیاء نوحه نمود و قلم گریست گریستی که ملاء اعلی گریستند و اصحاب جنّت علیا صبیحه زدند از حق می‌طلبیم این حزب را از امثال این ظنون و اوهام حفظ فرماید و بر صراط مستقیم مستقیم دارد انه هو القویّ الغالب القدر

و در لوح خطاب به نصیر است قوله عزّو علا: در ظهور اولم که به اسم علیّ علیم در مابین آسمان و زمین ظاهر شد و کشف حجاب فرمود اول علمای عصر بر اعراض و اعتراض قیام نمودند اگر چه اعراض امثال این نفوس بر حسب ظاهر سبب اعراض خلق شد و لکن در باطن خلق سبب اعراض این نفوس شده‌اند مشاهده کن که اگر ناس خود را معلق بردّ و قبول علماء و مشایخ نجف و دونه نمیساختند و مؤمن بالله

میشدند مجال اعراض از برای این علماء نمیماند چون خود را بی‌مريد و تنها ملاحظه مینمودند ... اگر فضل انسان به عمامه میبود باید آن شتری که معادل الف عمامه بر او حمل میشود از اعلم ناس محسوب شود و حال آنکه مشاهده مینمائی که حیوان است و گیاه میطلبد زنهار بمظاهر اسماء و هیاکلی که خود را به عمامم ظاهریه و البسه زهد میآرایند از حق ممنوع مشو و غافل مباش .

و در لوح برهان است قوله عظم برهانه : یا معشر العلماء هذا یومٌ لا ینفعکم شیئٌ من الاشیاء و لا اسمٌ من الاسماء الا بهذا الاسم الذی جعله الله مظهر امره و مطلع اسمائه الحسنی لمن فی ملکوت الانشاء نعیماً لمن وجد عرفَ الرحمن و کان من الراسخین و لا یغنیکم الیوم علومکم و فنونکم و لا زخارفکم و عزکم دعوا الکلال ورائکم مقبلین الی الکلمة العلیاء الّتی بها فصّلت الزیر و الصحف و هذا الکتاب المبین یا معشر العلماء ضعوا ما القتموه من قلم الظنون و الاوهام تالله قد اشرق شمس العلم من افق الیقین ... قد أخذ عزک و عزّ امثالک و هذا ما حکم به من عنده أمّ الالواح ... یا معشر العلماء بکم انحطّ شأن الملة و نکس علم الاسلام و ثلّ عرشه العظیم کلّما اراد ممیز ان یتمسک بما یرتفع به شأن الاسلام ارتفعت ضوضاؤکم و بذلك منع عمّا اراد و بقی الملك فی خسران مبین .

و در لوحی دیگر خطاب به جناب عبدالحمید قوله الاصفی الاحلی : هو المخبر الخیر حدیث کذب مجدّد شد اهل ضغینه و بغضاء در صدد دوستان الهی افتادند و در اضلال ناس جهد بلیغ نموده و مینمایند سالها باسم جابلقا و جابلصا و ناحیه مقدّسه ناس را فریب دادند و گمراه نمودند حال اقلّ من آن تفکر ننموده و نمینمایند که حاصل فرقه شیعه چه بوده و هست و عنقریب در آن مقرّ یابند ناعقین از هر گوشه به نعیق مشغول تازه برمنبر میروند ، باری هزارودویست سال دیگر اراده نموده‌اند باسم وصیّ و ولیّ و نقباء و نجباء خلق بیچاره را ببئس المصیر دعوت فرمایند .

و در لوحی دیگر خطاب به سید فرج کاشان قول عظمت بیاناته : قلم اعلی بقدرت اصبع مالک اسماء بعضی از حجبات را خرق نمود و شق فرمود و لکن مطالع بغضاء بکمال سعی و اجتهاد به نسج حجبات مشغول اند ... با عمامه‌های بیضاء و خضراء به مدن و دیار میدوند و در اضلال ناس بهیچوجه کوتاهی ننموده و نمینمایند و در تعمیر مدن و دیار جعلیه مشغول اند اراده ساختن ناحیه هم دارند دوستان را تکبیر برسان بگو امروز روز

استقامت است مبادا مثل حزب شیعه به فریب ارباب عمائم از بحر عنایت و فرات رحمت محروم مانید در حفظ عباد همّت لازم سبحان الله سبب و علت منع عباد از افق اعلی علمای عصر بودند این فقره بر کل واضح است در اوّل بسبب و لعن مشغول و بالاخره کل فتوی بر قتلش دادند آلا لعنة الله على القوم الظالمين .

و قوله الاجلّ: هر قولی را تصدیق منمائید و از هر نفس مطمئن مشوید چه که گمراهان بآداب انسان خود را مینمایند و میربایند چه که اگر بما فی قلوبهم ظاهر شوند احدی اقبال ننماید در گمراهان قبل ملاحظه نمائید با عمامه های بیضاء و حمراء و تسبیح و رداء و زهد و ریا عباد الله را به اوهای مبتلا نمودند که در یوم جزا کل بر سیّد عالم فتوی دادند .

و قوله الاعزّ: عمامه و رداء سبب هلاکت قوم شد عباد بیچاره از آن انفس غافله پذیرفتند آنچه را که سبب گمراهی شد و در یوم جزا نتیجه آن شد که دیدند و شنیدند علمای ایران طراً در سنین اولیّه بسبب مقصود عالمیان مشغول عمل نمودند آنچه را که هیچ حزبی عمل ننمود و وارد آوردند آنچه را که هیچ نفسی ارتکاب ننمود . حنین اشیاء مرتفع و زفرات ملاً اعلی متصاعد قلم نوحه مینماید و ذکر میکند لوح میگرد و حمل مینماید از حق بطلب صبر عطا فرماید و دانائی بخشد آگاهی عنایت نماید .

و از حضرت عبدالهء در مفاوضات است قوله العزیز: اعمال بعضی از پاپها را بشریعت حضرت مسیح تطبیق کنیم حضرت مسیح گرسنه و برهنه در این بریّه گیاه میخوردند و راضی بر این نشدند که خاطر کسی آزرده شود پاپ در کالسکه مرصع نشیند و در نهایت عظمت به جمیع لذائذ و شهوات وقت گذرانند که ملوک را چنین نعمت و خود پرستی میسر نه ... بعضی از پاپها نفوس کثیره بی گناه را کشتند ... و به جهت عدم موافقت رأی ، هزاران خادمان عالم انسانی اهل معارف را که کشف اسرار کائنات کردند زجر کردند حبس و محو نمودند و چقدر معارضه به حقیقت نمودند ... مقصود این است که وصایای مسیح چیز دیگر و اطوار حکومت پاپ چیز دیگر ابداً با هم مطابق نیست به بینید که چقدر از پروتستانها را کشتند ... و در میان پاپها نفوس مبارکی نیز بودند که بر قدم مسیح حرکت نمودند ... وقتی که اسباب سلطنت فراهم آمد و عزّت و سعادت دنیوی حاصل گشت حکومت پاپ مسیح را به کلی فراموش نمود و بسطنت و عظمت و راحت و نعمت دنیوی پرداخت قتل نفوس کرد و معارضه به نشر معارف نمود ارباب فنون را اذیت کرد و نور علم را

حائل گشت و حکم قتل و غارت نمود و هزاران نفوس از اهل فنون و معارف و بی‌گناهان در سجن رومیّه هلاک گشتند ... کرسی حکومت پاپ همیشه معارضه به علم نمود حتی در اروپا مسلم شد که دین معارض به علم است و علم مخرب بنیان دین .

و از حضرت عبدالهء است قوله العزيز : رساله سیاسیه که بیست سال پیش تألیف شده و در بدایت سلطنت مظفرالدین شاه به خط مشکین قلم در بمبئی طبع و نشر گشته البته این رساله را مطالعه فرمائید در آنجا به طراحت منصوص است که اگر علماء دین مداخله در امور سیاسی نمایند یقین بدانید که نظیر ایام شاه سلطان حسین و زمان فتحعلی شاه و اواخر عبدالعزیز خان عثمانی گردد در واقعه اولی ایران را افغان ویران کرد در واقعه ثانیه نصف ایران بباد رفته در واقعه ثالثه نصف مملکت عثمانی بهدر رفت و بقدر ده کرور نفوس تلف و بی‌سر و سامان شدند و مجبور به هجرت گردیدند ولی با وجود این صراحت و این برهان قاطع کسی گوش نداد باز مانند دم پیروی ثعالب نمودند و آیات متشابهه غیر باهره و حجج غیر بالغه یعنی علمای رسوم پیروی نمودند ایران را ویران کردند و از کوکب درخشنده ایران غافل مظهر یخربون بیوتهم بایدیم شدند کما قال الشاعر :

إذا كان الغراب دليل قوم

فمهدیم الی جیف الکلاب

باز ایرانیان بیدار نمیشوند به خواب خرگوشی مبتلا هستند .

و در رساله سیاسیه است قوله المبین : و همچنین در زمان سرّ وجود جمال موعود مؤید به مقام محمود حضرت رسول علیه السلام ملاحظه نمائید معترضین و محترزین معاندین و مکابرین علمای یهود و رهبان عنود و کهنه جهول حسود بودند مثل ابوعامر راهب و کعب بن اشرف و نصرین حارث و عاص بن وائل و حی بن اخطب و امیه بن هلال این پیشوایان امت قیام بر لعن و سب و قتل و ضرب آن آفتاب مشرق نبوت نمودند و چنان طغیان در اذیت شمع انجمن عالم انسان داشتند که ما اودی نبی بمثل ما اودیت فرمودند و لسان بشکوه گشودند پس ملاحظه نمائید که در هر عهد و عصر ظلم و زجر و حصر و جفای شدید و جور جدید از بعضی علمای بیدین بود و اگر چنانچه حکومت تعرضی کرد و یا تعرضی نمود جمیع به غمز و لمز و اشاره و

همز این نفوس پر طغیان بود و همچنین در این اوقات اگر بنظر دقیق ملاحظه نمائید آنچه شایع و واقع از اعتساف علمای بی انصافی بوده که از تقوای الهی محروم از شریعت الله مهجور و از نار حقد و نیران حسد در جوش و خروشنند .